

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه الزهراء (س)

دانشکده الهیات

پایان نامه

جهت اخذ کارشناسی ارشد

رشته الهیات گرایش فلسفه و کلام اسلامی

عنوان

اصول تعلیم و تربیت اخلاقی از نظر احمد نراقی و استاد مطهری

استاد راهنما

دکتر فروزان راسخی

استاد مشاور

دکتر زهره توازیانی

دانشجو

لیلا کمال لو

مهر ۹۲

"کلیه دستاوردهای این تحقیق متعلق به دانشگاه
الزهرا (س)
است"

تقدیم به:

پدرم، که عالمانه به من آموخت تا چگونه در عرصه زندگی، ایستادگی را تجربه نمایم.

و به مادرم، دریای بی کران فداکاری و عشق که وجودم برایش همه رنج بود و وجودش برایم همه مهر.

و به :

همسرم، اسطوره زندگی، پناه فستگیم و امید بودنم .

تشکر و قدردانی

با سپاس فراوان از راهنمایی‌ها و زحمات استاد ممتز و گرانقدر سرکار خانم دکتر راسفی، که از ابتدای راه و در طی انجام این تحقیق، با راهنمایی‌های خود مرا در نگارش این اثر یاری نمودند و هم چنین قدردانی و تقدیر از اساتید بزرگوار، سرکار خانم دکتر توازیانی، استاد ممتز مشاور و جناب آقای دکتر تورانی مدیر گروه ممتز، که با هدایت و حمایت‌های بی دریغشان یاری‌ام نمودند.

چکیده:

اخلاق، رمز سعادت‌مندی انسان است و غفلت از آن، به منزله فاجعه‌ای دردناک است و این مطلب است که کمتر اندیشمندی از کنار آن به راحتی گذشته است، به طوریکه می‌توان گفت عموم فیلسوفان و متکلمان تاریخ، بخشی از رسالت خویش را در سامان‌بخشی به نظام‌های مختلف اخلاقی سپری کرده‌اند، چه در میان مسلمانان و چه اندیشمندان غیر مسلمان. در حوزه اسلامی از معاصرین شهید مطهری، و از متقدمین ملا احمد نراقی، از جمله کسانی هستند که به ضرورت پرداختن به مباحث اخلاقی به طور جدی توجه داده‌اند. لذا ما در این پژوهش این دو تن را، که خود نمونه اخلاق‌اند، انتخاب نموده‌ایم تا با مطالعه آثار گران بهایشان، اصول تعلیم و تربیت اخلاقی مورد نظر آنها را استخراج کنیم. در این زمینه به نقاط اشتراک بسیاری بین نراقی و استاد مطهری رسیدیم و نقاط افتراق در آنها به ندرت دیده می‌شد، که افتراق آنها بیشتر به دلیل معاصر بودن و حوزه وسیع مطالعات استاد مطهری، در دو زمینه تعلیم و تربیت و اخلاق بود. و بیشتر مباحث، در زمان نراقی، مبتنی بر اخلاق بود. و او برای اثبات گفته‌های خویش بیشتر به آیات و روایات استناد می‌کرد و اخلاق را همان تربیت می‌دانست، و تربیت را در اخلاق جستجو می‌کرد، اما بیانات استاد مطهری، بیشتر مبتنی بر نقل و به تفکیک اخلاق از تربیت بود.

کلید واژه: تعلیم و تربیت، اخلاق، حد وسط، نفس، خودشناسی، عدالت، نراقی، مطهری.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصل اول: کلیات
۱	مقدمه.....
۲	۱-۱- مسأله پژوهش و تبیین آن.....
۳	۱-۲- پرسش‌های فرعی پژوهش.....
۳	۱-۳- فرضیه‌های پژوهش.....
۳	۱-۴- اهداف پژوهش و ضرورت آن.....
۴	۱-۵- روش پژوهش.....
۴	۱-۶- پیشینه پژوهش.....
۷	۱-۷- انسان و تعلیم و تربیت.....
۷	۱-۸- معنای لغوی تربیت.....
۷	۱-۹- معنای اصطلاحی تربیت.....
۸	۱-۱۰- تقسیم بندی حکمت و جایگاه اخلاق در آن.....
۸	۱-۱۱- معنای لغوی اخلاق.....
۹	۱-۱۲- معنای اصطلاحی اخلاق.....
۹	۱-۱۳- تعریف علم اخلاق.....
۱۰	۱-۱۴- عناصر فاعل فعل اخلاقی.....
۱۱	۱-۱۵- تربیت اخلاقی.....
۱۲	۱-۱۶- آیات و روایاتی در مورد اخلاق و تربیت.....
۱۴	۱-۱۷- اخلاق و تربیت در دیدگاه بزرگان فلسفه در تاریخ.....
۱۵	۱-۱۷-۱- افلاطون.....

- ۱۶ ۱-۱۷-۲- ارسطو
- ۱۹ ۱-۱۷-۳- فارابی
- ۲۰ ۱-۱۷-۴- ابن سینا
- ۲۱ ۱-۱۷-۵- امام محمد غزالی

فصل دوم: اصول تعلیم و تربیت اخلاقی از نظر ملا احمد نراقی

- ۲۳ ۱-۲- شرافت و فضیلت علم
- ۲۴ ۱-۱-۲- اقسام علم
- ۲۶ ۲-۲- تعریف علم اخلاق
- ۲۶ ۱-۲-۲- موضوع علم اخلاق
- ۲۷ ۲-۲-۲- فایده علم اخلاق
- ۲۷ ۳-۲-۲- شباهت علم اخلاق به علم طب
- ۲۸ ۳-۲- علامت حسن خلق
- ۲۹ ۴-۲- خودشناسی مقدمه خداشناسی
- ۲۹ ۵-۲- نفس عامل مهم در اخلاق
- ۳۱ ۱-۵-۲- قوای چهارگانه نفس
- ۳۴ ۶-۲- حدّ وسط و انواع آن در اخلاق
- ۳۶ ۷-۲- تشخیص و معالجه امراض نفسانی
- ۳۷ ۸-۲- عدالت افضل فضائل
- ۳۸ ۱-۸-۲- اقسام عدالت و درجات عدل
- ۳۹ ۹-۲- وظیفه معلّم
- ۴۰ ۱۰-۲- وظیفه متعلّم
- ۴۱ ۱۱-۲- مراحل کسب فضائل اخلاقی
- ۴۲ ۱۲-۲- اصول تربیت اخلاقی

- ۴۲ ۱-۱۲-۲- اصل محبت.....
- ۴۳ ۲-۱۲-۲- رابطه(مشارطه،مراقبه،محاسبه).....
- ۴۴ ۳-۱۲-۲- تکرار در عمل.....
- ۴۵ ۴-۱۲-۲- تربیت در دوران کودکی.....
- ۴۵ ۵-۱۲-۲- اعتدال.....
- ۴۶ ۶-۱۲-۲- تزکیه نفس.....
- ۴۶ ۷-۱۲-۲- پرورش جسم.....

فصل سوم: اصول تعلیم و تربیت اخلاقی از نظر استاد مطهری

- ۴۸ ۱-۳- جایگاه اخلاق در حکمت.....
- ۴۹ ۲-۳- تعریف اخلاق و تربیت.....
- ۵۰ ۳-۳- تفاوت اخلاق و تربیت.....
- ۵۱ ۴-۳- گزاره‌های اخلاقی.....
- ۵۲ ۵-۳- خودشناسی مقدمه‌ای بر خداشناسی.....
- ۵۴ ۶-۳- حقیقت وجودی من.....
- ۵۶ ۷-۳- شیوه‌های اخلاقی.....
- ۵۷ ۸-۳- ملاک فعل اخلاقی از دیدگاه افراد و مکاتب.....
- ۵۷ ۱-۸-۳- اخلاق کمونیستی.....
- ۵۸ ۲-۸-۳- اراده در اخلاق.....
- ۵۸ ۳-۸-۳- وجدان در اخلاق.....
- ۶۰ ۴-۸-۳- نظریه عاطفی بودن اخلاق.....
- ۶۰ ۵-۸-۳- زیبایی در اخلاق.....
- ۶۱ ۹-۳- ملاک فعل اخلاقی.....
- ۶۳ ۱۰-۳- مطلق یا نسبی بودن فعل اخلاقی.....

- ۶۴ ۱۱-۳-۱۱- ابزار شناخت و منابع آن.....
- ۶۵ ۱۲-۳-۱۲- عدالت.....
- ۶۷ ۱۲-۳-۱- انواع عدالت.....
- ۶۸ ۱۳-۳-۱۳- وظیفه معلّم.....
- ۶۹ ۱۴-۳-۱۴- وظیفه متعلّم.....
- ۷۲ ۱۵-۳-۱۵- اصول تربیت اخلاقی.....
- ۷۲ ۱۵-۳-۱- اصل خداجویی.....
- ۷۳ ۱۵-۳-۲- حس پرستش.....
- ۷۵ ۱۵-۳-۳- وجدان عمومی.....
- ۷۵ ۱۵-۳-۴- محبّت.....
- ۷۶ ۱۵-۳-۵- تربیت در دوران کودکی.....
- ۷۷ ۱۵-۳-۶- کرامت (عزت نفس).....
- ۷۸ ۱۵-۳-۷- حقیقت جویی (روحیه علمی داشتن).....
- ۷۹ ۱۵-۳-۸- آزادی.....
- ۸۰ ۱۵-۳-۹- هماهنگی در رشد استعدادها(فطرت).....
- ۸۱ ۱۵-۳-۱۰- پرورش جسم.....
- ۸۲ ۱۵-۳-۱۱- هدایت خواهی.....
- ۸۲ ۱۵-۳-۱۲- اعتدال.....
- ۸۳ ۱۵-۳-۱۳- اراده.....
- ۸۴ ۱۵-۳-۱۴- مراقبه.....
- ۸۴ ۱۵-۳-۱۵- مشارطه، معاتبه، معاقبه.....
- ۸۵ ۱۶-۳-۱۶- روند اخلاقی کردن افراد.....

فصل چهارم: بررسی و مقایسه نظرات نراقی و مطهری در باب تعلیم و تربیت اخلاقی

۸۷	۱-۴-وجوه اشتراک نظرات نراقی و مطهری در باب تعلیم و تربیت اخلاقی.....
۸۸	۱-۱-۴-اخلاق.....
۸۹	۲-۱-۴-حد وسط.....
۸۹	۳-۱-۴-خودشناسی مقدمه خداشناسی.....
۹۰	۴-۱-۴-ایمان پشتوانه اخلاق.....
۹۰	۵-۱-۴-نفس و قوای مربوط به آن.....
۹۱	۶-۱-۴-عدالت.....
۹۲	۷-۱-۴-اصول تربیت اخلاقی.....
۹۵	۸-۱-۴-وظیفه معلم.....
۹۶	۹-۱-۴-وظیفه متعلم.....
۹۶	۲-۴-وجوه افتراق نظرات نراقی و مطهری در باب تعلیم و تربیت اخلاقی.....
۹۷	۱-۲-۴-تربیت.....
۹۷	۲-۲-۴-گزاره‌های اخلاقی.....
۹۸	۳-۲-۴-شیوه‌های اخلاقی.....
۹۸	۴-۲-۴-ملاک فعل اخلاقی از دیدگاه افراد و مکاتب.....
۹۸	۵-۲-۴-شناخت.....
۹۹	۶-۲-۴-حقیقت من.....
۹۹	۷-۲-۴-مطلق یا نسبی بودن اخلاق.....
۹۹	۸-۲-۴-اصول تربیت اخلاقی.....
۱۰۱	۳-۴-جمع بندی.....
۱۰۳	فهرست منابع.....

مقدمه

انسان، موجودی اثرگذار و تأثیرپذیر است، لذا تعلیم و تربیت انسانها بسیار مهم است، به نحوی که یکی از بهترین ادله ضرورت بعثت انبیاء(علیهم السّلام) سامان بخشیدن به نابسامانیهای اخلاقی است، تا انسانها را به اخلاق فضیلت مندانه‌ای تربیت کنند. که در این راستا فرد باید از یکسری اصول و قواعد پیروی کند تا خود را به فضائل اخلاقی آراسته سازد. فراگرفتن همین اصول و قواعد، بخش مسلم تربیت اخلاقی است، و نمی‌شود افرادی اینها را نداند و صاحب فعل اخلاقی باشد. گاهی بعضی از رفتارهای فرد با بعضی از افعال اخلاقی تشابه دارد؛ ولی این بدان معنا نیست که فرد، موجودی اخلاقی است. اخلاقی بودن، به این معنا است که یک مبنا و اصول و قواعدی در فرد وجود داشته باشد. و هدف ما نیز از این پژوهش همین می‌باشد. لذا در زمینه اصول تعلیم و تربیت اخلاقی، از نظرات نراقی و استاد مطهری بهره برده‌ایم.

ملا احمد نراقی، از علمای به نام اخلاق در قرن سیزدهم هجری می‌باشد. مهم‌ترین آثار وی در زمینه‌ی اخلاق، کتاب معروفش *معراج السعاده* است؛ که از دیرباز بهترین کتاب اخلاقی شناخته شده و تاکنون نیز در حوزه‌های علمیه به دانش‌جویان علم تدریس می‌شود؛ که بیش‌تر جنبه‌ی نقلی دارد. ایشان پیرو ارسطو است و فضیلت اخلاقی را به حد وسط میان افراط و تفریط تعریف می‌کند. و استاد مطهری آگاه به مقتضیات ناب اسلام، و با تفکری بنیادین و روشمند به سوی مسائل اخلاقی می‌رود. و به موضوعات جدیدی در حیطه تربیت و اخلاق می‌پردازد.

این پایان نامه، از چهار فصل تشکیل شده است. در فصل اول، با عنوان کلیات به مواردی مانند مقدمه، مسئله، فرضیات ... و پیشینه پژوهش پرداخته شده است. در فصل دوم، اصول تعلیم و تربیت اخلاقی از نظر نراقی آمده است و فصل سوم، به اصول تعلیم و تربیت اخلاقی از نظر استاد

مطهری اختصاص دارد و فصل چهارم این پژوهش، به بررسی و مقایسه نظرات نراقی و استاد مطهری در باب تعلیم و تربیت اخلاقی می‌پردازد.

۱-۱- مسأله پژوهش و تبیین آن

علم اخلاق، به دلیل ارتباط وثیق با دیگر علوم انسانی به ویژه تعلیم دینی، در رده بندی علوم از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. و متکفل تعیین درست و نادرست و خوب و بد می‌باشد. اما فرآیند تربیت است که می‌تواند فضایل اخلاقی را در افراد ایجاد کند و رذایل اخلاقی را از آنان بزدايد و ثمره تهذيب اخلاق از منظر دين رسيدن به خير و سعادت دنيا و آخرت است. لذا استخراج اصول تعلیم و تربیت اخلاقی، در معارف دینی نقش مهم و بسزایی دارد. ملا احمد نراقی، از متفکران قرن سیزدهم هجری، از جمله کسانی است که به اخلاق و تعلیم و تربیت اخلاقی توجه کرده و کتاب *معراج السعاده* را در این باب به رشته‌ی تحریر درآورده و این کتاب، سالها در حوزه‌های علمی تدریس شده است. از سوی دیگر استاد مطهری، با توجه به حوزه وسیع مطالعات خود در معارف دینی و آثار خود، گامی مؤثر در جهت رشد افکار جامعه اسلامی برداشته است. لذا به اخلاق و تعلیم و تربیت اخلاقی توجه ویژه‌ای نشان داده است. لذا سؤال اصلی این است که ملا احمد نراقی و استاد مطهری چه تبیینی از اصول تعلیم و تربیت اخلاقی ارائه می‌دهند. بررسی آراء این دو متفکر در این زمینه و مقایسه آنها با هم می‌تواند راهگشای عملی مفیدی، در امر تعلیم و تربیت اخلاقی باشد.

۱-۲- پرسش‌های فرعی پژوهش

۱- اصول تعلیم و تربیت از نظر این دو متفکر بیشتر مبتنی بر نقل است یا مبتنی بر عقل؟

۲- موضع استاد مطهری و نراقی درباره‌ی اخلاق و نسبت آن با تعلیم و تربیت اخلاقی

چيست؟

۳- وجه مشترک نظر استاد مطهری و نراقی درباره‌ی اخلاق و تعلیم و تربیت اخلاقی چیست؟

۱-۳- فرضیه‌های پژوهش

۱- اصول تعلیم و تربیت از نظر استاد مطهری بیشتر مبتنی بر عقل است و نراقی بیشتر

مبتنی بر نقل .

۲- استاد مطهری قائل به تفکیک اخلاق از تعلیم و تربیت اخلاقی است. اما نراقی چنین

تفکیکی را انجام نداده است.

۳- استاد مطهری و نراقی هر دو به امکان استخراج اصول تعلیم و تربیت اخلاقی از تعالیم

دینی معتقدند.

۱-۴- اهداف پژوهش و ضرورت آن

از آنجا که نراقی و استاد مطهری، از جمله اندیشمندان و متفکران مهم جامعه‌ی اسلامی

می‌باشند. و هر یک دارای دیدگاه‌های مؤثری در تربیت اخلاقی هستند؛ لذا این دیدگاه‌ها می‌تواند

در شناخت دقیق تعلیم و تربیت اخلاقی مؤثر واقع شود، بنابراین هدف کلی از این تحقیق، استخراج

و مقایسه اصول تعلیم و تربیت اخلاقی، از نظر نراقی و استاد مطهری در جهت بکارگیری در امور تربیت جامعه است. به طور کلی هدف‌های این تحقیق عبارت‌اند از:

-کمک به گسترش دانش، در زمینه تعلیم و تربیت اخلاقی

-مشخص کردن مرزها و حدود تعلیم و تربیت در جامعه

-تلاش در استخراج اصول و قواعد کلی تربیت اخلاقی وارد شده در کتاب و سنت

-استفاده از تجربیات سرآمدان اخلاق و تعلیم و تربیت

-پیاده کردن تعلیم و تربیت اخلاقی، در جوامع اسلامی برای ارتقای سطح تربیت اخلاقی جامعه

-تلاش در جهت رساندن وضعیت موجود نامطلوب، به موقعیت مطلوب ناموجود، در حوزه تعلیم و تربیت اخلاقی جامعه.

۱-۵- روش پژوهش

روش پژوهش کتابخانه‌ای، با استفاده از فیش‌برداری از اسناد و مدارک است.

۱-۶- پیشینه‌ی پژوهش

در داخل کشور، تحقیقی که دقیقاً به بررسی مقایسه‌ای تعلیم و تربیت اخلاقی از دیدگاه نراقی و استاد مطهری بپردازد، انجام نگرفته است؛ لیکن تحقیقات انجام گرفته در مورد نظرات استاد مطهری بسیار می‌باشد اما هیچ تحقیقی دقیقاً با این عنوان یافت نشد. از میان تحقیقات مختلفی که در زمینه‌ی اخلاق و تربیت اخلاقی صورت گرفته است، به چند نمونه از آنها با توجه به ارتباط با موضوع پژوهش حاضر اشاره می‌کنیم.

۱- رساله دکتری با عنوان "تبیین نظریه اخلاق از منظر مرتضی مطهری و ریچارد رورتی و نقد دلالت‌های آنان در تربیت اخلاقی" اکبر صالحی، دانشگاه تربیت معلم (دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی) گرایش فلسفه آموزش و پرورش، در سال ۱۳۸۵ دفاع شد. در این رساله طبق نظر محقق، مطهری اخلاق و دین را جدایی ناپذیر می‌داند. اما اخلاق از نظر رورتی فاقد بنیاد دینی است که آن را باید در احساسات درونی انسان‌ها جستجو کرد. و در آخر نقدهایی را بر نظرات مطهری و رورتی مطرح می‌کند.

۲- رساله کارشناسی ارشد با عنوان "تربیت اخلاقی از نظر شهید مطهری و ویلیام جیمز" نصرت نصرتی نصرآبادی، دانشگاه تربیت مدرس (دانشکده علوم انسانی)، رشته تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، در سال ۱۳۷۹ دفاع گردید. این رساله تأثیر اندیشه‌های اندیشمندان و مریبان بزرگ را یکی از عوامل مؤثر بر تحولات اساسی در امر تعلیم و تربیت می‌داند. ضعف پژوهش در حوزه‌ی تعلیم و تربیت به ویژه در قلمرو (تربیت اخلاقی) و بی‌توجهی به اهداف اساسی، باعث شده‌ی وی در این تحقیق به ملاک تشخیص حسن و قبح اعمال اخلاقی، ماهیت، اهداف و جامعیت تربیت اخلاقی از دیدگاه استاد مطهری و ویلیام جیمز بپردازد.

۳- رساله کارشناسی ارشد با عنوان "مقایسه تربیتی حضرت امام خمینی (ره) و استاد مطهری" محمد علی خسروشاهی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران (دانشکده علوم اجتماعی و روان‌شناسی) رشته تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت، در سال ۱۳۸۱ دفاع شد. محقق در این رساله به بررسی مباحث اساسی فلسفه تربیت (معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، خداشناسی، انسان‌شناسی) و اصول، اهداف و روشهای تربیت می‌پردازد.

همان طور که می‌دانیم موضوع تربیت، انسان است، پس لازم است در اینجا تعریفی از انسان داشته باشیم. انسان موجودی است، ترکیب یافته از جسم و جان که منسوب به خداوند است. و در

بین موجودات و مخلوقات تنها اوست که شایستگی دریافت روح الهی را داشته و شأن و مقامی دارد، که هیچ موجودی حتی فرشتگان به آن مرتبه و مقام نمی‌رسند. با توجه به اشارات فراوان قرآن به ارزش‌های انسانی می‌توان نتیجه گرفت که انسان با تمام وجوه مشترکی که با سایر جاندارها دارد فاصله‌ی زیادی با آنها دارد؛ که یکی از این تفاوت‌ها این است که در انسان، نیرویی برای ادراک و کشف خود و جهان است که در جانداران دیگر وجود ندارد. و آن نیروی تعقل است؛ که این مکانیسم شناخت تعقلی، از پیچیده‌ترین مکانیسم‌های انسانی است. چرا که با این نوع شناخت، بسیاری از حقایق را که مستقیماً از راه حواس با آنها تماس ندارد کشف می‌کند. و تفاوت دیگر در میل‌ها و جاذبه‌هاست که انسان، مانند حیوانات دیگر میل به غذا، میل به خواب، میل به استراحت و آسایش و میل به امور جنسی و... مشترک است، و علاوه بر این‌ها در انسان میل به امور معنوی که نه حجم دارد و نه سنگینی، وجود دارد.

هدف از خلقت انسان، علاوه بر عبادت، عالم شدن وی به قدرت‌های خداوندی نیز می‌باشد. چنانچه در (ذاریات/۵۶)^۱ ذکر شده است که "جن و انس را نیافریدیم مگر برای عبادت". حصری که در این آیه به کار رفته، حاکی از این است که کمال انسان، فقط در عبادت خداوند است. بنابراین آیه ذکر شده نمی‌گوید هدف، فقط عبادت است بلکه می‌گوید: فقط عبادت خدا، هدف است؛ که غیر خدا را نپرستد. و در حدیث قدسی آمده است که: من گنجی پنهان بودم، خواستم تا شناخته شوم، پس خلق را آفریدم.^۲ و در (طلاق/۱۲)^۳ به این امر اشاره دارد؛ که ذات خداوند مجموعه آسمانها و زمین را خلق کرده است تا شما به علم و قدرت خدا عالم شوید. بنابراین هدف، عالم

^۱ - «وَمَا خَلَقَ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونَهُ».

^۲ - «كُنْتُ كَنْزاً مَخْفِياً فَأَحْبَبْتُ أَنْ أَعْرِفَ، فَخَلَقْتُ الْخَلْقَ». نراقی، احمد، *رسائل و مسائل*، چاپ اول، قم، کنگره بزرگداشت محققان نراقی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۲۶.

^۳ - «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ السَّمَاوَاتِ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرَ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْماً».

شدن انسان به قدرت و علم خداست. از مجموعه این دو آیه برمی آید که انسان، باید عابد عالم باشد. عبادت، از آن عقل عملی و معرفت، از آن عقل نظری است. و هویت انسان، یعنی انسان عابد عالم را، عقل نظری و عقل عملی او تشکیل می دهند.^۱

۱-۷- انسان و تعلیم و تربیت

پس از آنکه به تعریفی از انسان و هدف از خلقت آن پرداختیم، در بحث تعلیم و تربیت، باید گفت که تعلیم، به موجودی اختصاص دارد که درک و شعور داشته باشد. و بتواند علمی را فراگیرد؛ ولی تربیت وسیع تر و گسترده تر از تعلیم است. و برای همه موجودات قابل صدق است. با وجود اینکه، انسان در زندگی خود فعالیت‌های زیادی انجام می‌دهد؛ اما این فعالیت وی یعنی آماده ساختن نسل بعدی، اهمیت بسزایی دارد. بنابراین تعلیم و تربیت اساسی ترین فعالیت انسان است.

۱-۸- معنای لغوی تربیت

تربیت یعنی پرورش دادن، آموختن و پروردن^۲ و از قوه به فعل رساندن استعدادهاى نهفته و فطرت، در جهت الهی شدن اوست.^۳

۱-۹- معنای اصطلاحی تربیت

فراهم آوردن زمینه و شرایط لازم، برای به فعلیت رساندن و شکوفا نمودن همه استعدادهاى انسان و آموزش جهت انتقال ارزش‌ها، علوم و فنون به معلمان و حرکت تکاملی او به سوی مطلوب با برنامه‌ای منظم و سنجیده.^۱

^۱ - جوادی آملی، عبدالله، مبادی اخلاق در قرآن، چاپ هفتم، نشر اسراء، تابستان ۱۳۸۸، ص ۶۶.

^۲ - دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۳۵، ج ۱۴، ص ۵۵۱.

^۳ - خمینی، روح الله، صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۲۸.

۱-۱۰- تقسیم بندی حکمت و جایگاه اخلاق در آن

علم حکمت، عبارت‌اند از: دانستن امور آنچه‌ان چه هست، بنابراین علم به موجودات دو قسم است: یکی علمی که موقوف بر حرکات ارادی افراد نباشد، که به آن حکمت نظری می‌گویند. و دیگری، علمی که منوط به حرکات ارادی افراد و تصرف و تدبیر آنها باشد، که در این صورت به آن حکمت عملی گویند. اما خود حکمت نظری و عملی نیز به اموری تقسیم می‌شود. حکمت نظری، شامل علم مابداًطبیعه، علم ریاضی و علم طبیعی است. و حکمت عملی، به تهذیب اخلاق، تدبیر منزل و سیاست مدن تقسیم می‌شود. بنابراین طبق این تقسیم بندی، اخلاق در حکمت عملی قرار دارد.^۲

۱-۱۱- معنای لغوی اخلاق

واژه‌ی اخلاق جمع "خُلُق" در لغت به معنای گوناگونی هم چون طبع، نهاد، سرشت، خصلت، مزاج، طبیعت، مشرب، سیرت به کار می‌رود.^۳ و نیز به معنای سنجیه، منش، خوی و روش آمده است.^۴

و در *لسان العرب* بیان شده است که واژه‌ی خلق (به فتح یا ضمّ خا) در اصل به یک ریشه بازمی‌گردد. منتها خُلُق به فتحه، به معنای هیئت و صورت ظاهری است که انسان می‌تواند آن را با

^۱-مصباح یزدی، محمدتقی، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، فلسفه تعلیم و تربیت، تهران، سمت، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۳۴.

^۲- طوسی، نصیرالدین، *اخلاق ناصری*، چاپ پنجم، انتشارات خوارزمی، ۱۳۷۳، ص ۳۸-۴۰.

^۳-دهخدا، *لغت نامه دهخدا*، ۱۳۷۳، ج ۶، ص ۸۷۱۱.

^۴- ابن منظور، *لسان العرب*، دار احیاء التراث العربی، ج ۴، ص ۱۹۴.

چشم ظاهر ببیند. و خُلق به ضمه، به معنای سجایا و صفات درونی است، که تنها با چشم دل دیده می‌شود.^۱

۱-۱۲- معنای اصطلاحی اخلاق

الخُلق (جمع اخلاق): حالت نفسانی راسخه‌ای است که از آن افعال خیر و شرّ، بدون تأمل و فکر صادر می‌شود.^۲ مثلاً فردی که دارای خُلق شجاعت است در رویایی با دشمن تردید به خود راه نمی‌دهد و بدون تأمل، به دشمن هجوم می‌برد و این حالت استوار درونی، ممکن است در فردی به طور طبیعی ذاتی و فطری وجود داشته باشد؛ برای مثال کسی که به سرعت، عصبانی می‌شود و یا به اندک بهانه‌ای شاد می‌شود. منشأهای دیگر خُلق، وراثت و تمرین و تکرار است؛ مانند اینکه بر اثر تمرین در نفس صفات راسخه‌ای ایجاد گردد.^۳ پس در اخلاق، تأکید بر ملکه و حالت نفسانی و ثبات ملکات اخلاقی است.

۱-۱۳- تعریف علم اخلاق

علم اخلاق را می‌توان بدین صورت تعریف کرد: علم اخلاق، علمی است که صفات نفسانی خوب و بد و اعمال و رفتار اختیاری متناسب با آنها را معرفی می‌کند. و شیوه‌ی تحصیل صفات نفسانی خوب و انجام اعمال پسندیده و دوری از صفات نفسانی بد و اعمال ناپسند را نشان می‌دهد.^۴

^۱ - همان، ص ۱۹۴.

^۲ - انیس، ابراهیم، المعجم الوسیط، الطبعة الثالثة (۱۴۰۸ ق. ۱۳۶۷ ه. ش)، جزء اول و الثاني، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ص ۲۵۲.

^۳ - ابن مسکویه، تهذیب الاخلاق و طهاره الاعراق، قم، بیدار، ۱۳۷۱، ص ۵۱.

^۴ - همان، ص ۴۸.